

کریک

یاد و آئینه!

بی شکوه و غریب و رهگذرند
یادهای دگر، چو برق و چو باد
یاد تو پرشکوه و جاوید است
و آشنای قدیم دل، اما
ای دریغ! ای دریغ! ای فریاد!

(مهدی اخوان ثالث)

در نخستین ساعات بامداد ۲۶ آبانماه ۱۳۸۸، نیکو خردمند، یکی از زنان هنرمند ایران دیده از جهان فروبست. نیکو خردمند، در تاریخ ۵ آبانماه ۱۳۱۱ در تهران متولد شد و پس از گذراندن دوره کارگردانی سینما در آکادمی سلطنتی لندن، فعالیت خود را در سال ۱۳۳۷ با گویندگی در رادیو آغاز کرد. تعجبی هم ندارد، «خرد جمعی» کارگردانی زنان را نمی‌پذیرفت. پس نیکو خردمند، به عنوان دوبلور، گوینده نمایش‌های رادیویی و مجری برنامه تئاتر در تلویزیون کار می‌کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۶۹ با ایفای نقش دوم در فیلم «پرده آخر» از «واروژ کریم مسیحی» به سینما روی آورد. نیکو خردمند، هرگز به رشته تخصصی خود یعنی کارگردانی نپرداخت!

مرا ندیده بگیرید و بگذرید از من
که جز ملال نصیبی نمی‌برید از من
[...]
عجب که راه نفس بسته‌اید بر من
و باز
در انتظار نفس‌های دیگری از من

حال به برخی سایت‌های فارسی زبان نگاهی بیاندازیم تا ببینیم خبر درگذشت نیکو خردمند را چگونه بازتاب داده‌اند. چرا که بسیاری از سایت‌های کذا به دلیل درگیری با مسائل بسیار مهمتر از جمله «انتخابات» جمکران فرصت پرداختن به مسائل «روزمره» را نمی‌یابند. از «بی‌بی‌سی» آغاز کنیم که نیکو خردمند را چنان معرفی کرده که یکوقت کسی متوجه نشود،

در ایران خانواده‌هائی وجود داشتند، که پیش از ظهور خردجال، دختران خود را برای تحصیل در رشته‌های هنری به خارج از کشور می‌فرستادند. رسانه‌های رسمی و نیمه‌رسمی حکومت جمکران نیز مرگ نیکو خردمند را با بی‌میلی و انزجار منتشر کرده‌اند. از آنجمله است سایت «حنازرچوبه» که این خبر را به نقل از دیگری پخش می‌کند تا «سکولاریسم» و «اومانیسم» نتواند «هویت» تاجر اسلامی سایت حکومت را خدشه‌دار کند و «کفر» و «الحاد» دامنگیرش شود. در مجموع رسانه‌های جمکران و اربابان‌شان چنین می‌گویند، «نیکو خردمند، در ۷۷ سالگی در بیمارستان ابن‌سینا در گذشت.»

اگر فرو بنشیند ز خون من عطشی
چه جای واهمه تیغ از شما، ورید از من
من
برایتان چه بگویم زیاده [...]]
شما که با غم من آشنا ترید از من

امروز نیکو خردمند درگذشت، و آهو خردمند مسلماً بسیار غمگین است. ولی ما از بیشرمی رسانه‌های فارسی زبان به راستی در حیرت‌ایم! هر چند که اینان آینه‌اند و فقط تصویر نفرت‌انگیز ارباب منفورشان را باز می‌تابانند. ارباب حکومت چه می‌گویند؟ می‌گویند «رادیوفردا» از مخالفان حکومت جمکران است. بله، سناتور مک‌کین، از طرفداران تهاجم نظامی به عراق، قصد دارد شیپور حزب طالبان‌پرور دمکرات آمریکا را در این شرایط به عنوان «مخالف حکومت توحش» به

ما بفروشد. البته ایشان اصولاً فروشنده خوبی نیستند، چندی پیش هم جهت فروش «جنگ داخلی» به یمن، «لیبرمن» را برای بازاریابی به همراه برده بودند. باری به گزارش حناز چوبه، مورخ ۲۶ آبانماه سالجاری، جان مک‌کین در دانشگاه «جان هاپکینز» می‌گوید، شعار «اوباما! با آن‌هایی یا با ما؟» نشان می‌دهد که ناراضیان ایران خواهان پشتیبانی دولت آمریکا هستند! شاید سناتور جمهوریخواه ینگه‌دنیا با توسل به همان اصل جادویی «ترادف کلی»، ناراضیان ایران را با ابله و هالو در ترادف قرار داده باشند! آنکه خواهان پشتیبانی آمریکاست، حکومت درمانده جمکران است که نوکر آمریکاست، نه ناراضیان ایران!

ناراضیان ایران، ملت ایران است. ملت ایران مزدور بیگانه نیست، کور و ابله هم نیست؛ اوضاع عراق و افغانستان را می‌بیند. از طرف ما به مشاوران «فارسی» زبان‌تان بگوئید شعار کذا، به شما می‌گفت نامه‌نگاری برای «رهبر» و ابراز محبت همزمان به مخالفان ایشان فقط نشان دورویی و تزویر و فریبکاری است، که هست! هاله اسفندیاری مترجم بوده یا «شائول بخاش»، یا حاج عباس میلانی یا هر سه؟ یا اینکه این تفسیر شخص شماس از شعارهایی که به زبان انگلیسی در تهران بر پلاکاردها نوشته بودند؟ اگر شخصاً تفسیر فرموده‌اید، به قول معروف کور خوانده‌اید! شما گاوچران‌ها ظرافت زبان فارسی را در شعارهای انگلیسی نمی‌بینید. وقتی به کسی می‌گویند، «با ما هستی، یا با آن‌ها»، به این دلیل است که می‌بینند طرف مربوطه هم از توبره می‌خورد، هم از آخور، در نتیجه نمی‌توان به او اعتماد کرد. جناب سناتور! شما که با دقت و تخصص فراوان روی ویتنامی‌ها بمب می‌ریختید، چطور شده برای تحلیل و تفسیر یک شعار مختصر به زبان مادری‌تان، اگر نزاکت به خرج دهیم و نگوئیم از درک و فهم کافی

برخوردار نیستید، «دقت» معروف‌تان را به خرج نداده‌اید! اما اگر در حق شما نزاکت را رعایت می‌کنیم، با نوکران‌تان در جمکران بی‌پرده سخن خواهیم گفت.

ملا محمد خاتمی در یکی از همان سخنرانی‌های ابلهانه خود «آزادی بیان» را در ترادف با «حرف زدن» قرار داده، و چنین فرموده‌اند:

«نباید صحبت کردن هزینه داشته باشد!»

بله این چرندیات مسلماً «به نام حق» مطرح شده! به نام «حق تحریف» و «حق تخریب» آزادی بیان. می‌بینیم که پیش‌نویس قانون اساسی کذا هم به نام همین «حق» آغاز شده بود! «حق حرف مفت زدن»! پس حضور شیاد اردکان بگوئیم، اتفاقاً «حرف زدن» باید به قول سرکار «هزینه» داشته باشد، تا اوباش‌الله هر چه به دهان‌شان می‌آید نگویند و بدانند باید پاسخگوی سخنان‌شان باشند. حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین! «حرف زدن» را با «آزادی بیان» اشتباه گرفته‌اید، و به همین دلیل است که مزخرفات شما در رادیوفردا منعکس می‌شود! و به همین دلیل است که سناتور مک‌کین خواهان افزایش کمک به این رادیوی ابتدال‌گستر و حماقت‌پرور شده.

باری، بهتر است بدانیم سخنرانی سناتور مک‌کین که با کد: ۷۹۴۳۶۱ در حناز چوبه انتشار یافته، تحت عنوان گوساله‌فریب «چرا آزادی همچنان از اهمیت برخوردار است؟» ایراد شده! بله این «پرسش فریبنده» یکی از شعارهای پوچ و جادویی

اسلام ناب محمدی است و به مخاطب چنین القاء می‌کند که «آزادی» مد نظر سخنران، همان آزادی مطلوب مخاطب است. اینگونه است که مخاطب در «ابهام» قرار گرفته و تفاوت مواضع سخنران را با مطالبات خود نمی‌بیند. ما می‌گوئیم آزادی، مکین هم می‌گوید، آزادی! ولی در واقع آزادی ما در تضاد کامل با «آزادی» مطلوب سناتور مکین و همکاران‌شان در حاکمیت ینگه دنیا قرار می‌گیرد. ملت ایران تاکنون تاوان «آزادی استعمارگران» را پرداخته! روشن‌تر بگوئیم، آزادی مورد نظر سناتور مکین اسارت ما ایرانیان است.

البته جناب سناتور یک گام به عقب برداشته، پذیرفته‌اند که «فی‌فی» و «لاسی»، یعنی کروی و موسوی تنها خط‌دهندگان تظاهرات اعتراض‌آمیز نیستند. و این عقب‌نشینی مسلماً برای کودتاچیان، که با علم کردن موسوی قصد بازگشت به دوران امام روشن‌ضمیر را داشتند شکست بزرگی است. ولی فریب نخوریم استعمار وقتی برنامه‌اش شکست می‌خورد خطرناک‌تر می‌شود، چرا که بجای تهدید، به «تزویر» یعنی ابراز لطف و محبت روی می‌آورد تا از طریق سرکوب آزادی بیان ریشه‌آزادخواهان را بزند.

مکین هم دقیقاً در همین مسیر گام برمی‌دارد. ایشان گفته‌اند «ما» همانطور که در اختیار «لخ» و «السا» چاپخانه قرار دادیم، باید «کمک کنیم» تا «تظاهرکنندگان ضد رژیم» به اینترنت دسترسی داشته باشند! ایشان همچنین پیشنهاد کرده‌اند «ما» می‌توانیم کمک خود را به «رادیفردا» افزایش دهیم. بله، به این ترتیب است که با چارچوب «آزادی» مطلوب مکین و شرکاء در ایران آشنا می‌شویم.

سناتور گاوچران‌ها در واقع گاوهای خود را به عنوان «گله» آزادیخواه» به ما معرفی می‌فرمایند. ایشان می‌فرمایند هر کس «تظاهرات» می‌کند، «ناراضی» است، و هر که ناراضی است، حتماً «آزادیخواه» است، پس باید به او کمک کرد! اینگونه است که آخوند کروی، یعنی همان «فی‌فی» خودمان، به دلیل شرکت‌شان در تظاهرات، برای سناتور مکین در صف «آزادیخواهان» قرار خواهند گرفت، و «رادیفردا» که به عنوان شیپور «فاشیست - مسلمان‌ها» به تبلیغات برای دارودسته آدمخوار خاتمی و «زندگی دل‌انگیز جوانان در حوزه» مشغول است نیز همان امواجی خواهد بود که باید «صدای» آزادیخواهان کذا را به گوش ما ملت برساند. بگذریم! مستر مکین همچنین از تهاجم نظامی به ایران و مسلح کردن مخالفان نیز حمایت نکرده‌اند. ولی در واقع از آنجا که نمی‌توانند به ایران لشکرکشی کنند، گزینه نظامی را محکوم می‌فرمایند. همچنین ایشان باید دریافته باشند که ما مبارزه مسلحانه را اصولاً محکوم می‌کنیم. ولی حاکمیت آمریکا اگر خیلی خیلی طرفدار آزادی در ایران شده بهتر است به پشتیبانی پنهان خود از حکومت جمکران، به ویژه از طریق چین و اروپا پایان دهد.

خران را به قیمت جان جار می‌زنید

اما

بهار را به پیشیزی نمی‌خرید از من

شما هر آینه آئینه‌اید و من همه آه

عجیب نیست که این‌سان مکدرید از

من

(حسین منزوی)